

تغییر اجتماعی و تجربه مطالعه میدانی در بلایای طبیعی*

کاتلین تی برنی

ترجمه و تلخیص: شادی جباریان**

علی‌رغم این که ایران یکی از کشورهای پرخطر به لحاظ وقوع بلایای طبیعی است، هنوز تعداد مطالعات در حوزه‌های مختلف از جمله پرداختن به ابعاد روانی - اجتماعی حوادث غیرمترقبه، بسیار اندک است. مقاله حاضر می‌کوشد تا با ارزیابی ابعاد و روش‌های مطالعه میدانی در زمان وقوع بلایای طبیعی و پس از آن، تجاربی را در این زمینه در اختیار پژوهشگران قرار دهد. مطالعه این مقاله می‌تواند دریچه‌های جدیدی پیش روی پژوهشگران و مؤسسات مطالعاتی، در راه گسترش تحقیقات میدانی در بلایای طبیعی، بگشاید.

کلید واژه‌ها: بلایای طبیعی، تغییر اجتماعی، مطالعه میدانی

مقدمه

از نخستین روزهای پژوهش در باب بلایا، شیوه میدانی مهم‌ترین راه جمع‌آوری اطلاعات بوده است. پژوهش میدانی همواره به سمت مطالعات طبیعی انواع گروه‌ها، سازمان‌ها و

* Source: Tierney, Kathleen J. (1999). "The FIELD TURNS FIFTY: SOCIAL CHANGE AND THE PRACTICE OF DISASTER FIELD WORK". Department of sociology and criminal Justice and Disaster Research center, university of Delaware .

** کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

جوامع تمایل داشته است و در واکنش به بلایای طبیعی و موقعیت‌های تهدیدکننده، در مقابل پژوهش‌های تجربی و هدف‌مند بزرگ به لحاظ کمی، قرار گرفته است. «برندا فیلیس» در جایی اشاره کرده که از نظر تاریخی قرابت نزدیکی بین پژوهش بلایا، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات کیفی، به‌ویژه راهبردهای جمع‌آوری اطلاعات جهت‌دار میدانی وجود دارد. اولین پژوهش میدانی، که از طرف مرکز تحقیقات نظرسنجی ملی دانشگاه مریلند دانشگاه اکلاهوما و آکادمی ملی علوم در اوایل دهه پنجاه و شصت به عمل آمد، مجموعه‌ای از اطلاعات دامنه‌دار در باب بلایا و حوادث طبیعی بود که مواردی چون گردبادها، سیل‌ها، سقوط هواپیماها، حوادث دارویی، انفجارها، آتش‌سوزی‌ها و زمین‌لرزه را شامل می‌شد. (Quarantelli, 1987). مطالعات اخیر الگویی برای پژوهش‌های تجربی بعدی بوده که در بررسی بلایا و تأثیرات اجتماعی آن‌ها پیوسته به روش مطالعه از نوع جواب‌گویی سریع (quick-response research)، مشاهده مستقیم (در صورت امکان)، مصاحبه کیفی و متون مربوط به کار میدانی تأکید داشته است. مرکز تحقیق بلایا که در سال ۱۹۶۳ در دانشگاه ایالت اوهایو تأسیس شد، تا به حال قریب ۶۰۰ پژوهش میدانی مختلف را در آمریکا و دیگر کشورهای جهان به اجرا درآورده و احتمالاً شناخته‌شده‌ترین نمونه در حوزه پژوهش میدانی بلایا به شمار می‌رود.

بحث‌های غیررسمی با پژوهش‌گران در امر بلایا، چنین می‌نمایاند که اجرای پژوهش میدانی در روزهای اولیه عموماً مشکلی ندارد و در مجموع گزارش‌ها، مشکلی در برابر پژوهش‌گران کارمیدانی در دستیابی به منابع اطلاعاتی دیده نشده است. بودجه‌های اختصاص‌یافته همیشه کافی نبوده و کارکنان این حوزه بعضاً مجبور بودند که در اجرای فوری پژوهش بعد از بلایا، در موقعیت‌های جسمانی ناراحت‌کننده‌ای سرکرده و سازگار باشند؛ هرچند که با موانع و مقاومت‌های جدی از طرف گروه‌های مطالعه‌شونده مواجه نبوده‌اند. پژوهش‌گران آینده‌نگر تحقیقات میدانی آموخته‌اند که چگونه با عکس‌العمل سریع موارد مشابه بعدی و پرداختن به فعالیت‌های میدانی از پیش طراحی شده، عمل کنند و برنامه‌ها و راهبردهای آنان نیز معمولاً جواب خوبی داشته است. شیوه کار میدانی دانایی و

بیش عمیقی را در شیوه تأثیرگذاری بر عملکرد سازمانی و انسانی در هنگام وقوع بلایا ایجاد کرده است. پژوهندگان میدانی به‌طور چشم‌گیری در دستیابی به مردم و منابع اطلاعاتی موفق بوده‌اند، چنان‌که مردم رضایت خود را از طریق صحبت‌های خالصانه با آنان نشان داده و همکاری خوب و مفیدی داشته‌اند. برخی از بهترین پژوهش‌های اخیر (See, for example Peacock, Morrow, and Gladwin, 1997) رویکردهای قوم‌نگاری و زمینه‌یابی را به شکل مؤثری ترکیب کردند و ثابت کرده‌اند که پژوهش‌گران ماهر می‌توانند به زمینه‌های متعددی دسترسی داشته باشند و از سازمان‌های بلندپایه تصمیم‌گیرنده، برای اسکان موقت قربانیان بلایا بهره‌گیری کنند.

زمینه و محیط کار میدانی در تغییر بوده و در اغلب موارد چالش برانگیز و در برخی موارد تسهیل‌کننده بوده است: در مواردی نیز تغییرات اقلیمی (آب و هوایی) نه تنها بر پژوهش‌گران بلایا بلکه بر دیگر اندیشمندان اجتماعی و پژوهش علمی تأثیرگذار بوده است. من بسیاری از این تغییرات را با درگیر بودن در کار میدانی بلایا از اواسط دههٔ هفتاد، ابتدا به‌عنوان دانشجوی فارغ‌التحصیل، بعد به‌عنوان پژوهش‌گر و رهبر تیم میدانی، نیز سرپرست و مربی نسل بعدی کارکنان میدانی تجربه کرده‌ام. تجربهٔ من تقریباً به کار در ایالات متحده محدود شده و نظریاتم فقط در زمینهٔ خاصی کاربرد دارد. شیوهٔ کار میدانی بدون شک تلاش‌های مختلفی را برای افراد و گروه‌های مجری پژوهش در دیگر کشورها به نمایش می‌گذارد. پیشرفت‌های نوین، در توانایی ما در اجرای کار میدانی تأثیر گذاشته است اما در این مقاله من دربارهٔ شش رویه‌ای که معنی‌دارتر و مهم‌تر یافته‌ام بحث خواهم کرد: قواعد موضوعات انسانی و تعبیر و تفسیر آن‌ها، ظهور اعتراضات ناگهانی؛ تعاملات و رهنمودهای سازمانی برای پژوهش و پژوهش‌گران؛ گسترش چشم‌گیر فعالیت‌های پژوهش میدانی بعد بلایا؛ حرفه‌ای شدن مدیریت حوادث.



۱) درخواست حمایت از حریم افراد

در همان نخستین روزهای پژوهش، مجریان تحقیق میدانی بایستی به افراد و سازمان‌ها حین کار در جوامع مورد پژوهش، تعهد و رازداری را بیاموزند؛ با این دست رهنمودهای اخلاقی که کار و رازداری در این حوزه مثل کار در دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی است و این‌ها هیچ تفاوتی با هم ندارند. پژوهش میدانی مجموعه‌ای از اطلاعات مختلف و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است و دربرگیرنده مشاهدات رفتار عموم و شرکت‌کنندگان بی‌نام است و اطلاعات محرمانه‌ای از افراد شناخته شده به دست می‌دهد. بیش‌تر مطالعات میدانی، ترکیبی از رویکردهای جمع‌آوری اطلاعات را دربرمی‌گیرد. همان‌طور که گارانتلی و فیلیپس اشاره کرده‌اند پژوهش‌گران میدانی بایستی به منظور کسب امتیاز از فرصت‌های پژوهش، در موقعیت‌ها توان‌مند بوده و انعطاف‌پذیر باشند.

۲) یک حوزه پرکار

در روزهای نخست تحقیق در باب بلایا تعداد نسبتاً کمی از افراد و سازمان‌ها در این نوع مطالعات درگیر بودند. گروه‌های پیشگامی چون "NORC" (مرکز تحقیق نظرسنجی ملی)، "NAS" (مرکز آکادمی علوم ملی) و اخیراً تیم "DRC" (مرکز تحقیق بلایا) بیش‌ترین فعالیت را در این حوزه به انجام رسانده‌اند. کار میدانی هنوز در حوزه علوم اجتماعی جان‌یافته است. تلاش‌های اصلی پژوهش‌گران دهه پنجاه و شصت و حتی هفتاد، ایجاد مشروعیت، اطلاع‌رسانی اهداف تحقیق (شناساندن اهداف تحقیق) و دست‌یابی به منابع اطلاعاتی بوده است. از زمان پیدایی این حوزه تحقیقی فرصت‌های تحقیقاتی افزایش عمده‌ای داشته‌اند، بودجه‌های اختصاصی فزونی یافته و بخش وسیعی از فعالیت‌های این

* National opinion Research center

** National Academy of sciences

*** Disaster Aesearch center

حوزه صرف حمایت از سازمان‌ها و پژوهش‌گران متعددی شده که فعالانه در اجرا و سرپرستی اطلاعات جمع‌آوری شده نقش داشته‌اند. از همان آغاز به کار تحقیق در باب بلایا، یکپارچگی و اتحاد به‌عنوان مسئله مشترک موقعیت‌های حادثه‌زده مشخص شده است. در نخستین روزهای تحقیق میدانی ممکن بود پژوهش‌گران تصور کنند که به تنهایی اجرای تحقیق را بر عهده دارند درحالی‌که امروزه آن‌ها مطمئن‌اند که در این زمینه تنها نیستند. لازمه یکپارچگی و اتحاد پژوهش‌گران در مصائب و بلایای عظیم دیگر کاملاً محسوس است.

به‌دنبال زمین‌لرزه «نورتریچ» در ۱۹۹۴ صدها پژوهش‌گر علوم زمین‌شناسی، مهندسی و رشته‌های علوم اجتماعی بلافاصله بعد از حادثه اعلام آمادگی کردند؛ که پژوهش‌های بلندمدت پیامد این اعلام آمادگی بود. موسسه پژوهشی - مهندسی زلزله و فرمانداری کالیفرنیا یک دفتر خدمات اورژانس ایجاد کردند که پژوهش‌گران می‌توانستند به واسطه آن تبادل اطلاعات کرده، با هم تماس برقرار کنند و جلسات توجیهی روزانه برپا کنند. به‌دنبال آن بنیاد علوم ملی برای تحقیق در مهندسی زلزله یک بورس پژوهشی به دانشگاه‌های کالیفرنیا اختصاص داد تا اطلاعاتی درباره پژوهش‌هایی که انجمن‌های تحقیقاتی در این‌باره به‌عمل آورده‌اند و افرادی که در این‌باره کار کرده بودند آماده کند. "CUREE" (تشکل تحقیق در مهندسی زلزله دانشگاه‌های کالیفرنیا)، کارگاهی با صدها پژوهش‌گر گردآمده بود که کتابچه راهنمایی تدارک دیده بود و در آن کتابچه از پروژه‌های انجام شده و پژوهش‌گران آن‌ها و کنفرانس مهمی که یافته‌های پژوهشی در آن ارائه شده بود مطلب چاپ کرده بود (۱۹۹۵-۱۹۹۷).

به واقع پژوهش میدانی به ویژه پس از بروز بحران، حوزه بسیار شلوغی است و این بدان معناست که یافته‌های تحقیقاتی بسیار قوی بوده و پژوهش‌گران زیادی مشکلات برجسته وابسته به بلایا را دریافته‌اند و تحقیق درباره بلایا نهادینه شده است. اگر تعدادی از

پژوهش‌گران فعال در این حوزه‌های همکاری، قصد رقابت با هم داشته باشند این روند خوش می‌تواند پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد. در چنین شرایطی لازم است افرادی از ما که بلافاصله بعد از بلایا در پژوهش میدانی به فعالیت سرگرم می‌شوند توجه داشته باشند که مبادا همانند خیرنگاران رقیب، به فکر انحصار باشند، چرا که این مسئله می‌تواند عواقب زیان‌باری به همراه داشته باشد.

جوامعی که در حد تکانه‌دهنده‌ای بلایای عظیم را تجربه می‌کنند نه تنها بایستی با پژوهش‌گران بلکه با گروه‌های علاقمند دیگری که به دنبال یافتن اطلاعات هستند، همراه شوند. بلایای عظیم، رسانه‌ها و سیاست‌مداران را به سمت خود جلب می‌کند، همان‌طور نیز که در ابتدا متذکر شدم افراد دیگری هم معمولاً برای به دست آوردن اطلاعاتی که آن‌ها را برای آماده شدن هرچه بهتر برای حوادث بعدی کمک می‌کند از مناطق حادثه‌دیده دیدن می‌کنند؛ مردم نیز در نقش‌های خاصی چون مدیران شهری و مدیران حوادث با همکارانشان در اقصی نقاط کشور در تماس بوده و خواهان ترتیب دادن جلسات و تورهایی از مناطق آسیب‌دیده هستند؛ و اگر بلا به اندازه کافی عظیم باشد، حضور نمایندگان بین‌المللی نیز پیش‌بینی شدنی است.

تمایل شدید برای دیدن محله‌های آسیب‌دیده، برخی مواقع به «توریسم بلایا» منجر می‌شود و گاه به حدی رو به افزایش می‌گذارد که آژانس‌های مدیریت حوادث، برای اداره کردن مشکلات ایجاد شده از طرف بازدیدکنندگان به کنفرانس‌های طراحی شده رسمی برای کارکنان خود احساس نیاز می‌کنند.

۳) جنسیت، زنان و تحقیقات میدانی

تحقیق میدانی مثل دیگر پروژه‌های علوم اجتماعی و تحقیقات علمی از طرف زنان و گروه‌های اقلیت محصور شده است. واقعیت این است که پژوهش میدانی برای چندین دهه کاملاً در اختیار مردان باقی مانده بود. انعکاس تغییرات وسیع در رشته‌های علوم اجتماعی باعث تنوع در این حوزه شده و دامنه وسیعی از گروه‌ها و دیدگاه‌ها را به سمت

خود جلب کرده است. این تغییرات با توجه به جنسیت، بیشتر محسوس بوده است. زنان زیادی به این حوزه وارد شده‌اند؛ لذا به‌طور موازی در تمام شاخه‌های علوم اجتماعی، بر جنسیت تأکید فزاینده‌ای شده و اثرات آن در کار پژوهش‌گران بلایا نیز انعکاس یافته است. تأثیرات جنسیت، بخشی بزرگ از راه‌بردهای تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات را به خود اختصاص داده و احتمالاً در تحقیقات کیفی تأثیر آن بیشتر محسوس بوده است. همچنین مسائل جنسیتی در حد چشم‌گیری به اجرای پژوهش‌های میدانی راه‌یافته است؛ زیرا پژوهش‌گران تأثیر جنسیتی، برای دستیابی به زمینه‌های پژوهشی، نقش‌هایی که برای پژوهندگان میدانی تعیین می‌شود و چگونگی درک و رفتار این پژوهندگان با افرادی که مطالعه می‌شوند، توانایی کسب می‌کنند. همچنین جنسیت روشی به‌وجود می‌آورد تا پژوهش‌گر مطابق راه‌بردها و فنون به‌کار برده در کار میدانی، به شیوه‌ای که تجارب میدانی و اطلاعات تفسیر می‌شوند، داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل کند. جنسیت، مزایا و معایبی به همراه دارد: از طرفی ذره‌بینی برای مطالعه زندگی اجتماعی فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، فیلتری ایجاد می‌کند که مانع دستیابی به اطلاعات می‌شود.

وقتی که زنان برای اولین بار در پژوهش بلایا وارد شدند با دو چالش عمده مواجه بودند: آنان به‌عنوان تازه‌واردان به سازمان‌های پژوهشی مردسالار، مجبور بودند به همکاران مرد و مدیران‌شان ثابت کنند که می‌توانند در این حوزه موفق‌تر از مردان عمل کنند؛ همچنین مجبور بودند در قبال سازمان‌های عظیم مردانه و مردسالاری که پژوهش می‌کردند، برای فرد مشروعیت و اعتباری دست و پا کنند.

سال اول، اجرای کار میدانی بلایا، تقریباً در انحصار مردان بوده اما از همان ایام زنان خود را با آنان درگیر کردند. (For example, see Bucher, 1957). با این حال تعداد آن‌ها خیلی کم بود و پیش از دهه هفتاد، تعداد زنانی که فعالانه در تحقیق و نوشتن در باب بلایا نقش داشته‌اند به تعداد انگشتان دست نمی‌رسید. برای مثال مرکز تحقیقات بلایا در ده سال اول تأسیس‌اش واحدی کاملاً مردانه تلقی می‌شد و اواسط دهه هفتاد بود که ترکیب جنسیتی تیم تحقیق به سمت تعادل پیش رفت. با آن‌که موضع تعادل جنسیتی در پنج دهه

پس از شروع تحقیق میدانی به‌طور محسوس‌ی رو به بهبود و تغییر گذاشته است، اما هنوز شمار مردان به‌طور چشم‌گیری از زنان بیشتر است. با این حال شکمی نیست که زنان کوشا و پژوهنده‌ای از این حوزه برخاسته‌اند. برای مثال سازمان‌هایی که در طرح‌های مربوط به بلایا تحقیق می‌کنند کم و بیش ترجیح می‌دهند در انحصار مردان باشند. انعکاس تغییرات در جوامع بزرگ‌تر، چنین می‌نمایاند که زنان هرچه بیشتر به جایگاه مسئولیت‌پذیری و رهبری آژانس‌های وابسته به بلایا و دیگر مؤسسات مرتبط در پژوهش میدانی راه پیدا می‌کنند؛ و در نهایت بدین لحاظ می‌توان چنین فهمید که از سخت‌گیری و انحصارطلبی‌های جنسیتی در حوزه کارهای میدانی کاسته شده است.

نفوذ مسائل وابسته به جنسیت، اجرا و نتایج تحقیقات قبلی را تا چه اندازه توسعه داده است؟ روشن است که عوامل متعددی باعث غنای حوزه میدانی و محتوای آن شده‌اند و هنوز جامعه‌شناسی کاملی از تحلیل اطلاعاتی چگونگی توسعه کار میدانی ارائه نشده است. هرچند در همان زمان که بازاندیشی و بازنگری در حال رشد بود، پژوهش‌های میدانی نوپا و به شکل عمومی پژوهش بلایا از گرایش‌های نامحسوس جنسیت، تأثیر می‌پذیرفت. این نکته درخور بحث است که فقدان یک چشم‌انداز جنسیتی به همراه تمایل به متمرکز شدن بر فعالیت سازمان‌های طراح رسمی، به ایجاد تصویری یک‌سویه از نتایج پژوهش بلایا و وضعیت بهبود ادبیات اولیه این حوزه کمک کرد.

در ۱۹۹۶ فوترگیل (fothergill) در تحلیلش از موضوعات جنسیتی در تحقیق، نشان داد که از پژوهش‌های گذشته چنین دریافت می‌شود که تمایل بر این است که مردان کمک‌رسان و زنان نیازمندان نشان داده شوند. یک گرایش هنجاری واضح در تحقیق در باب بلایا، به نقش رفتار جنسیتی مناسب اختصاص دارد.

پژوهش‌گران متعددی که به‌طور معمول در حوزه بلایا کار می‌کنند به سبب جابه‌جایی الگوهای وسیعی که در علوم اجتماعی به‌وجود آمده و به خاطر تمایلات وابسته به جنسیت، به این تشخیص رسیده‌اند که لایه‌بندی‌ها و وابستگی‌های جنسیتی که به واسطه

زندگی اجتماعی در حال نفوذ و تأثیرگذاری‌اند، طیف وسیعی از رفتارهای وابسته به خطر، آمادگی - واکنش و بهبود را به وجود آورده است.

حال درک‌شدنی است که تجارب زنان و مردان از تأثیرات بلایا متفاوت بوده و این تفاوت‌ها موضوعات مناسبی برای پژوهش هستند. علی‌رغم این تغییرات، پژوهش‌های بلایا در زمینه‌های جنسیتی همچنان ادامه دارد و پژوهش‌گران این حوزه، چه زن چه مرد، حجم وسیعی از کارشان را در سازمان‌ها و موسساتی که جنسیت مردانه در آن غلبه دارد انجام می‌دادند (Acker, 1991:1992).

سازمان‌های وابسته به بحران نه تنها از نظر تاریخی مردسالار بوده‌اند، بلکه در هیأت سازمان‌هایی نشان داده شده‌اند که از نظر فرهنگی وجودشان با مردانه بودن ارتقاء یافته است. در واقع ترکیب جنسیتی آژانس‌ها و مؤسسات مربوط به بحران‌ها، موضوعی است که در پژوهش‌های آتی قابلیت بررسی دارد.

۴) حرفه‌ای شدن حوزه مدیریت حوادث

زمانی که تحقیق میدانی در اوایل دهه پنجاه شروع شد مدیر دفاعی شهر شبیه مرد نظامی بازنشسته‌ای بود که بیش از توان اداری یک یا دو نفر تلاش می‌کرد، درحالی‌که به لحاظ جسمی و کارکردی، تناسب چندانی با مکان تصمیم‌گیری جمعی نداشت. مسئول دفاع شهر به منابع و اتحاد دیگر واحدهای دولتی نیاز داشت و مدیران دفاع شهری و فعالیت‌هاشان - که اوایل بیش از بلایا، بر طرح‌های جنگی متمرکز شده بود - کم‌تر با وجهه و اعتبار جوامع مطابقت داشت. مردم جاه‌طلب آرزو می‌کردند در دولت وارد شوند. در دیگر سازمان‌های مربوط به حوادث، مثل ادارات پلیس و بیمارستان‌ها، فعالیت‌های مربوط به بلایا غیر از زمان بلایا بسیار اندک بود و مدیریت بلایا نیز مهم تشخیص داده نمی‌شد. در این نوع سازمان‌ها به افرادی که مسئولیتی به آن‌ها واگذار شده بود، احساس مثبت و مطبوعی وجود نداشت. با شروع دهه هشتاد موقعیت تغییر کرد و مدیریت حوادث، به‌عنوان یک رشته

تخصصی در دولت، مسئولیت مهمی به حساب آمد و فعالیت‌های سازمانی مهمی به منصفه ظهور رسید.

این روند رو به رشد و حرفه‌ای شدن، با پیش‌بینی‌ها و تعلیم کارورزان «مدیریت حوادث در بلایا» همراه شده است. حال مدیران حوادث بیش‌تر از قبل تمایل دارند درجات تحصیلی بالایی داشته باشند و مدیریت بحران حوزه رشدیافته‌ای از تخصص در حوزه‌های مدیریت دولتی است. به واسطه این نوع فعالیت‌ها مدیران حوادث نه تنها با پژوهش درباره بلایا بلکه با اعضای انجمن‌های پژوهشی آشنا می‌شوند. امروزه مدیران حوادث بهره‌گیری از پژوهش را درک کرده و تمایل دارند در حوزه کاری‌شان با پژوهش‌گران ارتباط داشته باشند و این نکته جا افتاده است که آن‌ها به‌عنوان مشاور، معاون و یا کارکنان پژوهش با پژوهش‌گران همکاری کنند و یا برای بنگاه‌های خود مستقیماً سرمایه‌گذاری پژوهشی نمایند. پژوهش‌گران و کارورزان به اتفاق هم درباره میزگردها و جلسات کار می‌کنند و در موقعیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای، فرصت‌هایی برای گفت‌وگو به‌وجود می‌آورند. آشکار است که این نوع تغییرات به پژوهش‌گران بلایا در اجرای کارشان کمک می‌کند. اعتماد و احترام متقابل، متخصصان بلایا را به کار ترغیب می‌کند، پژوهش‌گران را در کارشان یاری می‌رساند و همین‌طور کمک می‌کند تا پژوهش‌گران درکی عمیق از افرادی که درباره‌شان مطالعه می‌کنند به دست آورند.

۵) نتیجه

کار میدانی بلایا مثل دیگر فعالیت‌های اجتماعی حوزه وسیعی را دربرگرفته و این حوزه طی دهه‌ها به شکل چشم‌گیری دچار تغییر شده است و این تغییرات، در شیوه‌هایی که ما امروزه در این حوزه بدان عمل می‌کنیم انعکاس یافته است. در بررسی شیوه‌هایی که تغییرات اجتماعی و سازمانی اجرای پژوهش میدانی بلایا را تحت تأثیر قرار داده، سعی من بر این بوده که نشان دهم که تغییرات، چالش‌ها و فرصت‌هایی را به‌وجود آورده است و وظیفه ما این است که با فائق آمدن بر چالش‌ها از فرصت‌های به‌وجود آمده در تدارک

محیط پژوهشی تازه استفاده کنیم. همان‌طور که فیلیس اشاره کرده است پژوهش‌گران بلایا بایستی این پیشرفت‌های روش‌شناختی و دروس پژوهشی را در کارشان به خدمت بگیرند. در این مقاله من سعی کرده‌ام نشان دهم که کار میدانی در باب بلایا نه تنها به معنی درافتادن با مسائلی است که پژوهش‌گران از قدیم با آن مواجه بوده‌اند بلکه فائق آمدن بر مجموعه کاملی از مشکلات و پیچیدگی‌ها است. پژوهش‌گران در حوزه‌های دیگر از کارهای ما بهره‌مند خواهند شد، چون ما، ورای معماهای آن‌ها کار می‌کنیم.

- 1- Acker, Joan. (1991). **Hierarchies, Jobs, Bodies: A Theory of Gendered Organizations.** In Judith Lorber and Susan A. Farrell (Eds.) *The Social Construction of Gender.* Newbury Park, CA: Sage Publications.
- 2- Acker, Joan. (1992). **From Sex Roles to Gendered Institutions.** *Contemporary Sociology* 21: 565-568.
- 3- Bucher, Rue. (1957). **Blame and Hostility in Disaster.** *American Journal of Sociology* 62:467-475.
- 4- Enarson, Elaine and Betty Hearn Morrow (Eds.). (1998). **The Gendered Terrain of Disaster, Through the Eyes of Women.** Westport, CT: Praeger.
- 5- Erikson, Kai. (1995). Commentary. *The American Sociologist* 26: 4-11.
- 6- Fonow, Mary Margaret and Judith Cook. (1991). **Beyond Methodology: Feminist Scholarship as Lived Research.** Bloomington, IN: Indiana University Press.
- 7- Fothergill, Alice. (1996). **Gender, Risk and Disaster.** *International Journal of Mass Emergencies and Disasters* 14: 33-56.
- 8- Harding, Sandra. (1987). **Feminist and Methodology.** Bloomington, IN: Indiana University Press.
- 9- Harding, Sandra. (1991). **Whose Science? Whose Knowledge? Thinking from Women Lives.** Ithaca: Cornell University Press.
- 10- Morrow, Betty Hearn and Elaine Enarson. (1994). **Making the Case for Gendered Disaster Research.** Paper Presented at the 13th World Congress of Sociology, Bielefeld, Germany, July 18-23.
- 11- Nielson, Joyce McCarl (Ed.) (1990). **Feminist Research Methods.** Boulder: Westview Press.
- 12- Peacock, Walter Gillis, Betty Hearn Morrow, and Hugh Gladwin (Eds.) (1997). **Hurricane Andrew: Ethnicity, Gender, and Sociology of Disasters.** London: Routledge.
- 13- Quarantelli, E. L. (1987). Disaster Studies: An Analysis of the Social Historical Factors Affecting the Development of Research in the Area. *International Journal of Mass Emergencies and Disasters* 5: 285-310.